

## «درنگی نمانده است»

ر. رخشانی

درنگی نمانده است  
تا در روزهای مانده از رمق  
خرسندی و امید را  
مرور کنیم.  
در سرفه‌های تند باد،  
دست‌های وداع را  
از کوبه‌های ترک  
چشم‌انداز لحظه‌های عبور کنیم.  
فرسوده است نگاه،  
دیگر فریب چشم‌های تو  
افسون نمی‌کند،  
سپیدی پگاه  
مگر مایه‌ی سرور کنیم.